

## نقش مسجد در سازمان و اجتماع محله‌ای

دکتر مسعود مظاهری

### چکیده

تا سه دهه پیش، در اغلب شهرها، محلات از اعتبار خاصی در برقراری ارتباطات اجتماعی برخوردار بودند و این درحالی است که طی سه دهه اخیر، محلات شهری به صورت جزیره‌ای در دریای فرهنگ ملی جامع و خرده فرهنگ‌های شهری درآمده‌اند.

تغییرات سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک، از اعتبار محلات به عنوان عامل مهم در زندگی اجتماعی فرد کاسته است. جوامع غربی و صنعتی از اماکن مذهبی نظیر کلیسا صرفاً جهت کسب خشنودی خدا استفاده می‌کنند و تنها بر جنبه فردی مذهب و دین باور دارند، با اجرای قوانینی که تمامی ساخت‌های شخصیت انسانی را مدنظر قرار نداده و مطابق با نیازها و استعداد‌های انسان تدوین نگردیده است، با وجود چاره‌اندیشی، به واسطه عدم برخورداری قوانین از ضمانت اجرایی، با موانع بسیاری روبرو می‌باشند.

بدین‌سان تفرقه، نفاق و انزوای فرد و عدم حضور وی در اجتماعات به ویژه اجتماعات محله‌ای، زندگی بشر غربی و صنعتی را فرا گرفته است. در مقابل، در جوامع اسلامی، تأسیس مسجد در محله‌ها و شهرهای اسلامی به تشکیل و انسجام اجتماعات محله‌ای و شهری منجر گردیده است، زیرا مسجد صرفاً مکانی برای انجام فریضه نماز و دیگر مراسم مذهبی نبوده و به عنوان کانون اجتماعات محله‌ای و شهری همواره نقش به‌سزایی در غنای هرچه بیشتر این‌گونه اجتماعات ایفا نموده است.

این مقاله، با بررسی عملکرد اجتماعی مسجد به عنوان مهم‌ترین کارکرد آن با وجود گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها و هرچه صنعتی‌تر شدن مراکز و محلات شهری

و کم رنگ‌تر شدن ارتباطات اجتماعی به ویژه در سطح محله‌ای به بررسی نقش مسجد در انگیزه‌سازی در مردم و رشد روحیه خود یاری و تعاون و انجام امور داوطلبانه جمعی در سطح محله‌ای در راستای توسعه اجتماعات محله‌ای می‌پردازد. مطالعه حاضر پژوهش توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه‌ای از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره‌گیری شده است.

**واژگان کلیدی:** خرده فرهنگ‌ها - اجتماع محله‌ای - هدف‌گذاری جمعی - خودیاری و تعاون.

### حوزه‌های اجتماعی شهرها

حوزه‌های اجتماعی در شهرها سابقاً به عنوان حوزه‌های طبیعی خوانده می‌شد و از آن تعریفی بدین‌سان ارایه می‌گردید: حوزه طبیعی در شهرها، يك حوزه جغرافیایی است که به وسیله مشخصات طبیعی محل و خصیصه‌های فرهنگی مردم، از سایر بخش‌های شهری کاملاً تمیز داده می‌شود.<sup>1</sup>

مطابق این تعریف، حوزه‌های طبیعی عبارت است از يك مکان جغرافیایی در داخل شهرها که ساکنین آن از خصلت‌های فرهنگی و روابط اجتماعی خاصی تبعیت نمایند. به دیگر سخن، از نظر اکولوژیکی، يك حوزه طبیعی، بوم طبیعی گروه کاملاً مشخص اجتماعی است. در حقیقت هدف از طرح حوزه‌های اجتماعی در شهرها، شناخت محلات و مناطق شهری با شاخص‌های انتخابی است تا بتوان به هنگام برنامه ریزی شهری از واقعیت‌های اجتماعی در این حوزه‌ها کاملاً مشخص بهره‌مند گردید. پیشگامان مکتب اکولوژی شهری که حوزه‌های طبیعی را در داخل شهرها مطرح می‌نمودند، براین باور بودند که در دنیای طبیعت، جنگل‌ها، صحراها، دشت‌ها و کوه‌ها با بوم طبیعی، گونه‌های مختلف گیاهی و حیوانی عرضه می‌دارند. جامعه بشری نیز بدین‌سان عمل می‌کند و در این جامعه، در نتیجه عامل رقابت گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده و ناگزیر به يك جدایی گزینی اکولوژیکی تن در داده‌اند. بنابراین چه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که حوزه‌های اجتماعی در داخل شهرها از عده‌ای از خانواده‌های شهری تشکیل می‌گردد که در يك حوزه جغرافیایی محله یا در يك منطقه کاملاً معین با مرزهای مشخص زندگی می‌کنند. این عده از پایگاه اجتماعی - اقتصادی

<sup>1</sup> . لنکستر، جونز - ابعاد ساختار اجتماعی شهری، دانشگاه تورنتو.

مشترکی بهره‌مند می‌باشند.

### محلات به عنوان حوزه‌های خرد اجتماعی

در ساده‌ترین تعریف، محله از خانه‌های مجاور هم در يك فضای جغرافیایی خاص تشکیل می‌شود. خانواده‌ها نسبت به محله خود همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در يك محیط آشنا و خودی مثل خانه روبرو می‌بینند.

محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط مستحکم همسایگی و اتحاد مشارکت غیر رسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید. برای تشکیل يك محله شهری شرایطی به شرح ذیل لازم است:

- ۱ - دارابودن يك حوزه جغرافیایی از شهر با وسعت کم یا زیاد.
- ۲ - پیدایش و تکوین يك اجتماع كوچك از گروهی از مردم شهر.
- ۳ - وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم.

در محلات به افرادی که بر پایه خانه مجاور هم زندگی می‌کنند، همسایه گفته می‌شود. ارتباط همسایگان در محلات شهری، به هنگام نیاز و بحران بیشتر شده و تعاون و همیاری آنان افزایش می‌یابد. مراسم تدفین، جمع‌آوری امانه، آتش‌سوزی و عدم امنیت از آن جمله است. میزان وابستگی و ارتباط همسایگان در روستاها بیش از شهرهاست و با توجه به کیفیت کار در روستاها همیاری همسایگان بیشتر شدت می‌یابد تا آنجا که نگهداری کودکان بی‌سرپرست و بی‌مادر را اغلب همسایگان برعهده می‌گیرند. در محلات قدیمی به ویژه محلات طبقه کم‌درآمد، ارتباط همسایگان نه مانند روستاها اما با تعاون و همیاری بیشتری همراه است. ارتباط همسایگان در محلات از طریق مراکز مذهبی و عبادت گاه‌ها نظیر مساجد، تکایا، باشگاه‌های ورزشی، قهوه‌خانه‌ها و کوچه‌ها و... صورت می‌گیرد. معمولاً در محلات شهری، کیفیت واحدهای فیزیکی (محله) منطبق بر رفتار اجتماعی است. از این رو هر محله‌ای، از مشخصاتی متمایز با سایر محلات برخوردار است. از طرفی، هر يك از محلات دارای منطقه‌ای نفوذی است که در آن مغازه‌ها، مدارس، مراکز مذهبی و مساجد و... قرار دارند که مردم محله می‌توانند به آسانی در همه روزها از آنها بهره‌مند گردند. حضور در مؤسسات محله نظیر مراکز مذهبی و مساجد، مدارس و... به مردم محله امکان

می‌دهد تا خود را در يك محدوده کاملاً مقید احساس نموده و تعلق بیشتری به محله مسکونی خود بیابند. بنابراین چه گفته شد می‌توان گفت که محله هم يك واحد فیزیکی و هم يك واحد اجتماعی است. در میزان احساس محله‌ای، عامل وسعت نقش اساسی ایفا می‌نماید، به نحوی که هر اندازه سهولت دسترسی به مؤسسات عمومی و تجهیزات محله‌ای نظیر مساجد، مدارس، فرهنگ سراها و... بیشتر باشد احساس تعلق فرد یا افراد به محل و اجتماع محله‌ای هرچه بیشتر تقویت شده و افزایش می‌یابد. در مقابل، هر اندازه که دسترسی به نیازهای روزانه و تجهیزات شهری با اتومبیل صورت گرفته و فاصله حرکت بیشتر باشد به همان اندازه احساس محله‌ای کاهش می‌یابد.<sup>3</sup>

شرایط فیزیکی و اجتماعی محله و منطقه مسکونی هر يك به نحوی در میزان رضایت از روابط همسایگی مؤثر می‌افتد. در يك بررسی انجام گرفته در خصوص محلات برخوردار از تعداد محدود مراکز مذهبی و مساجد، مشخص گردید که در محلاتی که از تعداد محدودی مساجد و مراکز مذهبی برخوردارند به ویژه محلات طبقه مرفه جامعه - هر يك از افراد در گذر از محله خود تنها موفق به ملاقات تعداد محدودی از دوستان‌شان می‌گردند و این در حالی است که در محلات برخوردار از تعداد بیشتر مساجد و اماکن مذهبی، میزان ملاقات‌ها از افزایش چشم‌گیری برخوردار می‌باشد. محله به صورت يك واحد فیزیکی با هویت کاملاً مشخص اجتماعی، الگوهای مشترک زندگی، استفاده برابر از امکانات و مؤسسات عمومی، به عنوان ابزار کار برنامه‌ریزان شهری شناخته می‌شود. به نظر عده‌ای، در برنامه‌ریزی‌های جدید لازم است که روی پیوند طبقات شهری و گروه‌های قومی و مذهبی تأکید بسیار صورت گیرد تا بیگانگی و اضطراب دایمی زندگی شهری در مردم شهرها کاهش یابد. این عده معتقدند که ترکیب طبقات مختلف در محلات سبب تقویت روابط اجتماعی - انسانی و کاهش محدودیت‌هایی میان افراد ساکن شهرهاست. حتی این طرز تلقی در خصوص گروه‌های قومی و مذهبی گوناگون در يك محله، فکر اعمال تبعیضات نژادی و مذهبی هم چنین پیش‌داوری نسبت به این گروه‌ها را تضعیف می‌نماید.

از طرفی، محلات متشکل از گروه‌های قومی و مذهبی با طبقات مختلف نه تنها از نظر اجتماعی بلکه از جهت فرهنگ‌پذیری و انتقال فرهنگی نیز مهم می‌نماید. به عبارتی احتمالاً پدیده اجتماع محله‌ای و ترکیب اجتماعی موجود در آن که پاره‌ای از برنامه‌ریزان شهری بدان

<sup>3</sup> . پورتیوس، داگلاس، رفتار و محیط: ص ۷۲ .

معتقدند، از زندگی روستایی متأثر شده است که غنی و فقیر می‌توانند در نهایت آرامش در مجاورت یکدیگر به زندگی پراحساس ادامه دهند.

### دین به عنوان یک نیاز اجتماعی

ارزش (Value) از بنیادی‌ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و همچنین شکل‌گیری حیات اجتماعی است.<sup>4</sup>

ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آنها می‌توان جامعه را به زوال یا تعالی کشاند.<sup>5</sup>

ارزش‌های مذهبی نیز یکی از انواع ارزش‌ها در هر جامعه‌ای است و باید گفت تجلی آن در کلیه جوامع به یک شکل خاص نیست. همان‌گونه که جلوه آن در افراد مختلف و با توجه به شرایط زمانی می‌تواند متفاوت باشد. به نظر می‌رسد توجه به یک امر مقدس در همه زمان‌ها وجود داشته است. دین مفهومی است که می‌توان برای آن ابعاد مختلفی قایل شد. برخی دانشمندان علوم اجتماعی دینداری یا وابستگی به مذهب را دارای حداقل دو بعد (اجرای قوانین مذهبی) و (اعتقادات مذهبی) دانسته‌اند. اجرای فرایض نظیر نماز، روزه، انجام مناسک گوناگون مذهبی در مساجد از طریق مشاهدات علمی آشکار می‌گردد. اعتقادات مذهبی نیز از طریق پاسخ‌گویی به سؤالات عقیدتی مکشوف خواهد شد.<sup>6</sup>

مناسک مذهبی و دینی، ناظر بر نیازهای اجتماعی ریشه‌دار انسانی است و دین واقعیتی اجتماعی است. وقتی شخصی به دین عمل می‌کند یا در اماکن مذهبی چون مسجد حضور می‌یابد، در واقع حس همبستگی و خوداتکایی به گروه و حس بودن در جامعه را نشان می‌دهد. دین، زبان مشترک اخلاقی جامعه و امری است که در تثبیت اوضاع نقشی به سزا دارد. دورکیم معتقد است که در جامعه برای بقاء باید عاملی در درون فرد آحاد جامعه حضور داشته باشد و این عامل مذهب و دین است که در درون افراد احساس اخلاقی نسبت به مصالح اجتماعی را پدید می‌آورد، بنابراین مکانیسمی است که سازمان اجتماعی را حفظ نموده و یک نیاز اجتماعی محسوب می‌گردد.<sup>7</sup>

---

<sup>4</sup> . ساروخانی، ۱۳۷۶، ۹۰۹ .

<sup>5</sup> . رفیع پور، ۱۳۷۸ : ۲۶۷ .

<sup>6</sup> . طالبیان، *نمایه پژوهشی*: ص ۱۲۲ .

<sup>7</sup> . فراست‌خواه، ۱۳۷۷ : ۱۴ .

### مسجد، مهم‌ترین نهاد در ساختار زندگی اجتماعی

با وجودی که خانواده، مؤثرترین عامل حفظ هویت دینی و ایمان فردی است و در میان اعضای خانواده، مادر (البته با حمایت پدر خانواده) بیش از هر فرد دیگری مستقیماً در هویت دینی فرزندان نقش و مسئولیت دارد، اما با این حال نقش مسجد در این جهت به عنوان مددکار خانواده از اهمیت به سزایی برخوردار است.

به عبارت دیگر با وجودی که مهم‌ترین اجتماع در ساختار زندگی اجتماعی، خانواده است، با این حال مساجد چه به عنوان مراکز تأمین‌کننده آموزش‌های دینی و چه به‌عنوان محل تجمع و همبستگی افراد به ویژه در سطح محله‌ای به ایفای نقش در این زمینه می‌پردازند. به عبارت دیگر، مسجد به افراد جامعه به ویژه افراد ساکن در محلات یادآوری می‌کند که مسلمان اند و باید هویت و وحدت اسلامی را حفظ کنند.

مساجد از اهمیت بسیاری در دین اسلام و نزد مسلمانان برخوردارند و این نه تنها برای آن است که مساجد، محلی برای ادای فریضه نماز، استماع خطبه‌های دینی و تشکیل کلاس‌های آموزش دینی است، بلکه به عنوان مکانی برای تجمعات اجتماعی و همیاری مسلمانان در مناطق، محلات، شهرها به ویژه برپایی مراسم اعیاد مذهبی و جشن‌هایی به این مناسبت و گرد هم‌آوری مسلمانان گرد کانون اجتماعی واحد، مطرح است. از این رو، مساجد با برگزاری جشن‌های ویژه و اعیاد مذهبی، فرصت‌های مناسب و مقتضی برای برادران و خواهران دینی جهت آشنایی و تبادل‌نظر با یکدیگر را فراهم می‌آورند که در نتیجه این چنین برخوردهایی، احساس مذهبی و مسلمانی افراد تقویت شده و به عنای هرچه بیشتر گرد هم‌آیی مسلمانان در قالب اجتماعات محلی و محله‌ای منجر می‌گردد. در طول تاریخ تمدن اسلامی، مسجد و شهر همواره در یک رابطه کل‌نگرانه، متضمن حیات یکدیگر بوده‌اند. رابطه متقابل، زنده و پویای میان مسجد و شهر در تاریخ تمدن اسلامی برقرار است. مسجد همواره جزء لاینفک شهرها و محلات مسلمان‌نشین و پیش از آن، عنصر تشکیل‌دهنده و هدایت‌کننده تغییرات و توسعه شهری و مبانی تمایز شهر از روستا به‌شمار می‌رفته است. دین اسلام با سرعتی سرسام‌آور، جغرافیای سیاسی دنیای باستان را متحول ساخته و شهرنشین و بیابان‌گرد را در قالب امت واحد گرد می‌آورد که با پیوندی معنوی و فرهنگی، تمدنی بس گسترده را بر پا داشته است؛ تمدنی که به سرعت بر آثار باقی‌مانده شهرهای باستانی رشد نموده و شهرهای با هویت و ویژگی‌های خاص خود را پدید می‌آورد، به‌طور کلی می‌توان گفت که نقش مساجد در این

هویت بخشی، نقش محوری بوده است. استعاره (بیت‌الاسلام) برای شهر، اشاره‌ای نمادین به تقدس و حرمت شهر از دیدگاه اسلامی دارد، هم‌چنان که مکه (دارالامان) است. باوری دیرین در تمامی بینش‌های توحیدی به ویژه در دین مبین اسلام، شهر را به گونه‌ای نمادین محل و عامل ارتباط بشر با جهان هستی و کیهان می‌داند؛ جایی که انسان تعادل خویش را میان جسم، روح، زمین و آسمان در آن کسب می‌کند. از این‌رو، شهرهای باستانی با الگوهای نمادین برگرفته از هندسه مقدس بیانگر نظم جهان هستی، پی‌افکنده می‌شوند. در حقیقت می‌توان گفت که هر شهری محوری است از تجمع ارزش‌هایی که تمدنی را می‌سازند و در نتیجه تصویر جهان را (براساس يك جهان‌بینی) به وجود می‌آورند. تصویر جهان در شهرهای اسلامی براساس پیوند زندگی مادی و معنوی، به رابطه جدا نشدنی اقتصاد، سیاست و مذهب اشاره دارد و براین اساس هویت ویژه و متماز خود را می‌سازد.<sup>8</sup>

### نقش تعاونی و اجتماعی مسجد

وحدت اجتماعی، عنصری اساسی برای سلامت و بنای اساسی هر جامعه‌ای است. مساجد در تحکیم این عنصر اساسی، نقش بس خطیر ایفا می‌نمایند. در چنین کانونی، زن و مرد، بزرگ و کوچک با افکار و سلاقی مختلف همه در یکجا گرد آمده و همراه و همسو دوش به دوش یکدیگر می‌ایستند. حضوری این چنین، وحدت و همدلی را در جامعه استوار می‌سازد. بر پایه چنین ترسیمی از مسجد است که خداوند متعال، پیامبر خویش را از اقامه نماز و حتی حضور در مسجدی که وحدت جامعه اسلامی را دچار آسیب می‌نماید، برحذر می‌دارد. یکی از مهم‌ترین علل تأکیدات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه معصومین مبنی بر حضور مسلمین در نماز جماعت در قالب صفوف فشرده و نزدیک، ایجاد روحیه تعاون در میان نمازگزاران و افزایش بعد اجتماعی در کنار انجام اعمال عبادی است. از آغاز اسلام، از مسجد علاوه بر پرداختن به وظایف دینی و الهی، استفاده‌های دیگری نیز شده است. این کار حتی پیش از هجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه نیز صورت می‌گرفت. مردم برای بحث در خصوص مسایل روزانه و انجام دیگر فعالیت‌های خود، گرد کعبه گرد آمده و به بحث و گفت‌وگو با پیامبر می‌پرداختند. با احداث مسجد پیامبر اکرم در شهر مدینه، استفاده از این مؤسسه جدید (مسجد) به‌عنوان مرکز اجتماع مردم، آغاز شد.

<sup>8</sup> . بمات، شهر اسلام: ۷ و ۹۷ .

در حال حاضر، مساجد به عنوان مراکز اجتماعی از سه طریق اجتماعی، سیاسی و آموزشی به مراجعان خود خدمت می‌رسانند. مساجد به واسطه در دسترس بودن و توزیع کلیه محلات شهری، محل مناسبی برای برگزاری مراسم گوناگون عبادت و مذهبی و اجتماعات محلی به شمار می‌آیند. مساجد، نقش مهمی را در تشکّل مسلمانان ایفا می‌نمایند. مساجد همواره و در هر عصر و زمانی می‌توانند چنین نقشی را ایفا نموده و محور و مرکز مناسبی برای تشکّل و هماهنگی مسلمانان باشند. مؤمنان حق‌جو، همه روزه برای تحکیم میثاق بندگی و پرستش در مساجد حضور می‌یابند.

از این‌رو مسجد به‌طور طبیعی و بی آن‌که به امکانات ویژه‌ای نیاز داشته باشد زمینه پی‌ریزی و ایجاد تشکیلات طبیعی و سالم را فراهم می‌آورد. تشکلی که در پرتو مسجد پدید می‌آید از بسیاری از آفت‌ها و مخاطرات که اغلب گریبان‌گیر احزاب و گروه‌های سیاسی می‌گردد، دور می‌ماند. چنین تشکلی در دیدگاه همگان قرار داشته و برای عضویت در آن، محدودیت‌هایی که معمولاً از باورهای خود مدارانه ریشه می‌گیرد، وجود ندارد چرا که هر مسلمان مؤمنی می‌تواند در این تشکّل شرکت جوید. حضور افراد گوناگون از اقشار مختلف جامعه در مساجد به ویژه مساجد محله‌ای سبب می‌گردد تا این تشکّل ریشه‌دار بوده و با بخش‌های مختلف جامعه و طبقات گوناگون اجتماعی پیوند داشته باشد. نقش تعاونی و اجتماعی مساجد در ایران به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار فعال بوده است. فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه، جمعیت‌های خدمت و رسیدگی به مستمندان و بیماران، جمعیت‌های حمایت از معلولین، گروه‌های تهیه و تدارک تجهیزات، صندوق‌های کمک به امر ازدواج و درمانگاه‌های ویژه بیماران سرپایی در مساجد، همه و همه نشان از اعتبار و میزان اهمیت کارکرد اجتماعی مساجد به ویژه در سطح محله‌ای دارد. مساجد همچنین در رشد و توسعه زندگی مردم حتی در وضعیت کمبود منابع نقشی داشته و همواره به عنوان ناظر بر روند انجام امور مطلوب اجتماعی و مردمی فعالیت داشته‌اند. در این راستا، مساجد با انگیزه‌سازی در مردم به رشد روحیه خودیاری و انجام امور داوطلبانه در سطح محله‌ای کمک به سزایی نموده‌اند. امروزه با وجود گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها و هرچه صنعتی‌تر شدن مراکز و محلات شهری و کم رنگ‌تر شدن ارتباطات اجتماعی به ویژه در سطح محله‌ای، نفوذ اجتماعی مساجد به عنوان مهم‌ترین کارکرد مسجد از اهمیت به سزایی برخوردار گردیده است. مساجد به واسطه برخورداری از چنین کارکردی با دیگر عبادتگاه‌های مذهب رسمی قابل قیاس نیستند. از این‌رو، امروزه کلیسا از حق دخالت در امور اجتماعی جوامع حتی در سطح

محلّه‌ای و منطقه‌ای برخوردار نیست. از این‌رو، مسیحیان در هفته يك روز به کلیسا رفته و به عبادت خدا می‌پردازند اما با خروج از آن مکان، رابطه مسیحیت و کلیسا با دنیای اجتماعی و افراد پیرامون آن قطع می‌شود. این در حالی است که در دین اسلام، نخستین سنگ بنای جامعه اسلامی با احداث مسجد بنیان نهاده شد و با توجه به مسایل اجتماعی مسلمانان قرین شد.

### **مسجد، کانون اجتماعات محلی**

مسجد تنها محل برگزاری مجالس ترحیم و عزاداری نیست، بلکه پذیرای مسایل و مراسم ازدواج، تعلیم و تربیت، مذاکرات و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تجاری و امور مربوط به خانواده می‌باشد. در این جاست که زمینه ایجاد اخوت اسلامی فراهم می‌گردد. فلسفه اساسی تأسیس مسجد در محله‌ها و شهرها، تحقق همین امر است.

به عبارت دیگر، مسجد صرفاً مکانی برای انجام فریضه نماز و دیگر مراسم مذهبی نبوده و به عنوان کانون اجتماعات ایفا نموده است. در حال حاضر، اجتماعات محله‌ای در بدو امر در قالب حضور افراد محله در مساجد محلی و دیگر فعالیت‌های جمعی مشابه رشد یافته و به مرور زمان به بلوغ می‌رسد. برقراری روابط میان فردی با هدف گذاری‌های جمعی در سایه مساجد به عنوان نهادهای اجتماعی مستقل و فعال از جمله مهم‌ترین روش‌های ایجاد سازگاری اجتماعی افراد و درک مسایل اجتماعی و فرهنگی جامعه به ویژه اجتماعات محله‌ای محسوب می‌گردد.

### **آسیب‌شناسی نقش اجتماعی محلات**

تا سه دهه پیش، در اغلب شهرها، محلات از اعتبار خاصی برخوردار بودند و این در حالی است که طی سه دهه اخیر، محلات شهری به صورت جزیره‌ای در دریای فرهنگ ملی جوامع و خرده فرهنگ‌های شهری درآمده‌اند. تغییرات سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک از اعتبار محله‌ای به عنوان عامل مهم در زندگی اجتماعی فردی کاسته است. در گذشته محلات جدید شهری از نسلی تشکیل می‌شد که یا به ندرت از حوزه‌های روستایی آمده و یا از شهرهای کوچک و متوسط به شهرهای پرجمعیت مهاجرت کرده بودند. این عده معمولاً در محلات معینی جای می‌گرفتند. توسعه شبکه‌های تلویزیونی، افزایش میزان سواد، حمل و نقل شهری و جایجایی افراد در فضای شهری را سرعت بخشیده و سابقه ده‌ها سال اقامت خانواده‌ها در محلات معین متزلزل ساخت. از سویی، زمانی که اتومبیل وارد خانواده‌های شهری شد، محلات نوساز

و جدیدی به روی صاحبان اتومبیل گشوده شد. معیارهای محله‌نشینی که قبلاً بر پایه مذهبی، قومی - قبیله‌ای و شغلی استوار بود، شکسته شد. در گذشته، همسایگان را سوپر مارکت‌های کوچک و بزرگ با انواع تولیدات و مواد غذایی در اغلب ساعات شبانه روز انجام می‌دهند. سابقاً که همسایگان با برقراری تماس‌های دوستانه نزدیک از اخبار مهم محله، شهری و جهانی با خبر می‌شدند، امروزه این مهم را رادیو و تلویزیون‌ها، روزنامه‌ها و رسانه‌های خارجی به میان خانواده‌ها می‌برند.

گسترش تماس با تلفن شهری با دیگر شهرها و روستاها و افراد خانواده، مشکلات فاصله را از میان برده و افراد و خانواده‌ها را به گوشه‌های مختلف شهری کشانیده است. پر واضح است که تمامی این عوامل در کاهش ارزش‌های محله‌ای بسیار مؤثر افتاده است.<sup>۹</sup>

---

<sup>۹</sup> . پورتیوس، داگلاس، محیط و رفتار: ص ۸۵ .